

## صلح و امنیت از دیدگاه اسلام

سید نصیر هاشمی

اسلام به عنوان دین، شریعت، قانون، و دستور العمل جامع و کامل زندگی، نه تنها احکام و تعالیم، عقاید و عبادات، اخلاق و آداب را در بر می گیرد؛ بلکه تمام شؤون زندگی را احتواء می کند؛ تأمین صلح و تحکیم عدالت، امنیت، و آسایش انسان، را در صدر برنامه های جهان شمول، فراگیر، حیات بخش و سعادت آفرین خود جا داده است.

دیدگاه اسلام در مورد صلح و امنیت، صحت و سلامتی، پیشرفت و سعادت فرد، خانواده و جامعه، خیلی ها وسیع است. الله ﷻ می فرماید: ﴿ مَا قَرَّبَنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ﴾ <sup>الاعلم: ۳۸</sup> ما در این کتاب هیچ چیزی را فروگذار نکرده ایم. « به عبارت دیگر، همه نیازها، بینشها، و فرهنگ دینی و شیوه برتر زندگی، در قرآن کریم نهفته است؛ آنچه باعث فقر فرهنگی ماست عدم آشنایی و بیگانگی ما با کلام الله مجید و دساتیر و برنامه های حیات بخش و سعادت آفرین آنست که از جانب رب العالمین نازل گردیده است.

صلح درقرآن عظیم الشان در مواردی به لفظ « صلح » و در مواردی هم به لفظ « السَّلام » آمده است.

**السَّلام:** نامی از نامهای زیبای خداوند متعال به معنای سالم از جمیع عیبها و نواقص و سلامتی دهنده اولیاء اش از گناه ها و بزرگترین ترس و دهشت در روز بازپرس، در برابر عالم اسرار پوشیده و امور غیبی «<sup>۱</sup>»  
الله جلت عظمته می فرماید: ﴿ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ ﴾ <sup>الحشر: ۲۳</sup> اوست خدایی که جز او معبودی نیست همان فرمانروای پاک سلامت بخش و مؤمن (به حقیقت حقه خود).

اسلام ضامن سلامتی فطرت و کرامت، عقل و اندیشه، جسم روح بوده، جوابگوی تمام پرسشها و مدافع تمام ارزشها و چاره ساز جمیع نیازها و ضروریات در زندگی فردی و اجتماعی می باشد؛ اسلام خواهان صلح و آرامش، پیشرفت و تمدن، و زندگی عاری از مشکلات و مصایب است، و بعنوان چگونگی تعامل با هموعان، و محیط زیست، و طریق استفاده از داشته های روی زمین را برای پیشرفت و بهبود زندگی، برای انسانها می آموزاند. تأمین صلح و سلام، تحکیم حق و عدالت و نیل به نعمت بی همتای امنیت و سعادت، تنها در پیروی از تعالیم والای اسلام، امکان پذیر است.

صلح تمام ابعاد زندگی فردی، خانودگی و اجتماعی، را در بر می گیرد، و در عرصه دینی، سلامتی فطرت، داخل شدن در دین خدا و تسلیمی به احکام و فرامین خدا و پیروی از تعالیم اسلام، توبه و اظهار ندامت و طلب مغفرت از خداوند مهربان، در مقابل ارتکاب گناه ها و اتلاف حقوق دیگران را احتوا میکند.

قرآن عظیم الشان می فرماید: ﴿ يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَذْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَآفَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ ﴾ <sup>البقرة: ۲۰۸</sup>

ای کسانی که ایمان آورده اید! همگی در صلح و آشتی درآئید. و از گامهای شیطان پیروی مکنید؛ که او برای شما دشمنی آشکارا است.

اسلام دین صلح و سلام است؛ جنگ را از نیرنگ های شیطانی می داند، دستور عمومی اسلام به پیروانش در همه جا و در همه احوال اینست که همگی راه صلح، سلامتی را که یگانه راه امنیت، پیشرفت و سعادت است، اختیار نمایند.

قرآن عظیم الشان می فرماید: ﴿ وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَت إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبَغَى حَقَّ قِتَالِهَا إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَالِغٌ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴾ <sup>الحجرات: ۹-۱۰</sup>

« و اگر دو طایفه از مؤمنان با هم بجنگند؛ میان آن دو صلح و آشتی را برقرار سازید و اگر یکی از آن دو بر دیگری تجاوز کرد با آن گروهی که بغاوت می کند بجنگید تا به فرمان خدا گشته، گردن نهد؛ پس اگر باز گشت (و تسلیم حکم خدا شد) میان آن دو به عدالت صلح برقرار سازید، و (بدون تبعیض) عدالت کنید؛ که که الله ﷻ عدالت پیشگان را دوست می دارد، یقیناً مؤمنان با هم برادرند پس میان برادرانتان صلح کنید، و از خدا پروا بدارید، امید که به رحمت خداوند مشرف شوید.»

اسلام صلح را به خیر و فضیلت و بهترین گزینه ها در حل منازعه و جلوگیری از وحشت و خونریزی معرفی نموده و پیروانش را در موارد مختلف، مسلمانان را برای انجام صلح امر می نماید، مورد اول آن همان اختلاف و کشمکش خانواده گی است که قرآن عظیم الشان به آن اشاره نموده می فرماید: ﴿ وَإِنْ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا ضُورًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ وَأُحْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ وَإِنْ تُحْسِنُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ﴾ <sup>النساء: ۱۲۸</sup>

اگر زنی از شوهر خویش بیم ناسازگاری یا رویگردانی داشته باشد، بر آن دو مانع و گناهی نیست که از راه صلح با یکدیگر به آشتی گرایند که صلح بهتر است، اگر چه بخل و ناگزشتن در نفوس (طبق حب ذات، در این گونه موارد) حضور و غلبه دارد، و اگر نیکی و پرهیزگاری (و گزشت) کنید؛ قطعاً الله ﷻ به آنچه انجام می‌دهید آگاه است و پاداش شایسته به شما خواهد داد.

در عبارت قرآنی ﴿أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا﴾ تعبیر علمای اصول فقه عبرت به عموم معنی است نه به خصوص سبب، اگر چه سبب ورود حکم صلح در اینجا معلوم است ولی میتوان آنرا در تمام موارد و مراحل زندگی تطبیق نمود.

﴿وَالصُّلْحُ خَيْرٌ﴾ «یک قانون کلی و همگانی را در همه ابعاد زندگی بیان می‌کند؛ زیرا صلح و صفا و دوستی نه تنها در خانواده بلکه در همه جا یک اصل نخستین بوده و با فطرت سلیم انسانی همخوانی دارد.»<sup>۳</sup>

قرآن عظیم الشان در این عبارت زیبا، کوتاه، پر معنی و محتوا، صلح را بهتر از هر چیز، معرفی نموده است؛ زیرا کلمه معجز (خَیْر) جامع تمام فضایل و خوبی‌هاست، امنیت، پیشرفت و سعادت را در تمام عرصه‌های زندگی در قبال دارد.

آری اسلام دین صلح و سلام عادل و شامل است؛ و آنرا در صدر پلانیها و اهداف ستراتیژی خویش قرار داده و پیروانش را دستور می‌دهد که تمام نیروها و وسایل دست داشته خویش را در جهت تحقق و برقراری آن به مصرف برسانند، اما از صلحی خلاف شریعت اسلام باشد و کیان امت اسلامی را به خطر مواجه سازد؛ آنها را برحذر می‌دارد.

در حدیثی به روایت ترمذی آمده است که پیامبر خدا فرموده است: (الصلح جائز بین المسلمین، الا صلحاً حرم حلالاً، أو اُحلاً حراماً).<sup>۴</sup>

برقراری صلح بین مسلمانان جایز است، به جز صلحی که حلالی را حرام و حرامی را حلال گرداند.

مؤلف کتاب (الأربعون المختارة) در این مورد می‌نگارد: صلحی که حرام را حلال، یا حرام را حلال گرداند، مانند صلحی که سود خوری را تضمین کند، یا واجبی را براندازد، یا ظلمی را روا دارد و یا حقی را پایمال کند چون برقراری صلح بین ظالم قوی و مظلوم ضعیف به آنچه رضایت زورمند و صاحب جاه را فراهم سازد و در آن چیزی نصیب شود، در حالی که از حق ضعیف چشم پوشی به عمل آید، یا اینکه مظلوم نتواند حق خود را بستاند؛ جایز، اما مردود است.<sup>۴</sup>

از دیدگاه اسلام، صلح و آشتی اصل است و جنگ و خشونت فرع؛ حتی در میدان جهاد نیز، اسلام بر صلح اصرار می‌ورزد و همیشه منتظر کسی است که ندای صلح سر دهد تا به او لبیک بگوید و حتی در موقعی که بردشمن چیره هم شود، و توانایی انتقام گیری را نیز داشته باشد؛ به سوی صلح می‌شنابد. چنانچه الله ﷻ بر پیامبرش محمد مصطفی ﷺ فرمان داده است: ﴿وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلَامِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾<sup>۵</sup> الانفال: ۶۱

اگر به صلح گراییدند تو نیز بدان بگرای و بر خدا توکل نما که او شنوای داناست.<sup>۵</sup>

صلحی که اسلام می‌خواهد با آن معنایی که امروز از صلح در میان دولت‌ها متعارف است فرق دارد. صلح در اسلام دارای معنای عمیق و وسیع تری بوده و آن عبارت است از «همزیستی همدیگر پذیری و عدالت» می‌باشد. اسلام می‌خواهد عدالت و امنیت اجتماعی و عمومی را برای همه مردم در روی کره زمین برقرار سازد.

قرآن مجید صلح و سازش را تنها مخصوص مسلمانان نمی‌داند، بلکه در مورد غیر مؤمنان که ظلم و تعدی به مسلمین نکرده و عهد و پیمانها را محترم شمرده‌اند، جایز می‌داند که مسلمانان با آنان نیکویی و همزیستی مسالمت آمیز نمایند: ﴿لَا يَنْهٰكُمُ اللّٰهُ عَنِ الّٰلِیْنَ لَمْ يُقَاتِلُوْكُمْ فِی الدِّیْنِ وَ لَمْ يُخْرِجُوْكُمْ مِنْ دِیْنِكُمْ اَنْ تَبْرُوْهُمْ وَتُقْسَطُوْا اِلَيْهِمْ اِنَّ اللّٰهَ یُحِبُّ الْمُقْسَطِیْنَ﴾<sup>۶</sup> اِنَّمَا يَنْهٰكُمُ اللّٰهُ عَنِ الّٰلِیْنَ قَاتَلُوْكُمْ فِی الدِّیْنِ وَ اَخْرَجُوْكُمْ مِنْ دِیْنِكُمْ وَ ظَهَرُوْا عَلٰی اِخْرَاجِكُمْ اَنْ تَوَلَّوْهُمْ وَمَنْ يَّوَلَّهُمْ فَاولٰئِكَ هُمُ الظّٰلِمُوْنَ﴾<sup>۷</sup> الممتحنة: ۸-۹

خداوند شما را منع نمی‌کند که با کسانی که با شما در کار دین نجنگیده و از خانه و شهرتان بیرون نکرده‌اند، نیکویی نمائید و با عدالت و انصاف با آنان رفتار کنید، به یقین خداوند مردم عادل را دوست می‌دارد. فقط خدا شما را از دوستی با کسانی باز می‌دارد که در (کار) دین با شما جنگ کرده و شما را از خانه هایتان بیرون رانده و در بیرون راندن تان با یکدیگر همپشتی کرده‌اند و هر کس آنان را به دوستی گیرد آنان همان ستمگرانند.

و می‌فرماید: ﴿فَإِنْ اَعْرَضْتُمْ عَنْهُمْ فَانْقَرُوا إِلَيْهِمْ السَّلَامَ فَمَا جَعَلَ اللّٰهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيْلًا﴾<sup>۸</sup> النساء: ۹۰

پس اگر از شما کناره گیری کردند و با شما نجنگیدند و با شما طرح صلح افکندند (دیگر) الله ﷻ برای شما راهی (برای تجاوز) بر آنان قرار نداده است.

آنچه در این بحث حایز اهمیت است که چگونه می‌توانیم سیرت ذاتی و اخلاق حمیده آنجناب را که در زندگی فردی و اجتماعی خویش، الگو و سرمشق قرار دهیم و در ساختار جامعه انسانی، سهم فعال داشته باشیم؟ و با پیروی از سیرت و اخلاق قرآن گونه پیامبر رحمت، در مبارزه علیه ظلم و خشونت غرض تأمین صلح و امنیت تحکیم عدالت، مسؤولیت‌های ایمانی و اخلاقی خویش را ایفاء نماییم؛ زیرا امت اسلامی در عصر حاضر، از حساس‌ترین مرحله زندگی عبور می‌کنند و در برابر امواج

توفنده بی از چلنج های داخلی و خارجی قرار گرفته و از فاجعه المناکی، نسبت به گذشته ها به مراتب تلخ تر، رنج می برند؛ نیاز انسانها، به صلح و امنیت، نیاز زمین به آب و نیاز جسم به روح است.

اقتداء به سیرت و اخلاق قرآن گونه پیامبر رحمت یگانه راه رشد و رسیدن به کمال انسانی و سعادت ابدی در عرصه های گوناگون زندگی برای همه اقشار جامعه، مخصوصاً برای اطفال و نوجوانان است.

قرآن کریم می فرماید: ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَذِكْرٍ﴾<sup>الأحزاب: ۲۱</sup> قطعاً برای شما در (اقتدا به) رسول الله سرمشقی نیکوست برای آن کس که به الله ﷻ و روز آخرت امید دارد و الله را فراوان یاد می کند.

پیامبر گرامی اسلام یگانه بنیان گذار و مدافع حقوق بشر و پیام آور صلح در روی زمین بود. که بشریت از جهل و خرافات، گمراهی و تعصب، وحشت و خشونت و سایر بدی ها و پلیدیها نجات بخشید؛ صلح و سعادت را جانشین جنگ و شقاوت گردانید و تاریخ انسانیت را سر از نو آغاز کرد.

با بعثت پیامبر گرامی اسلام درخت صلح و سلام در محیط حیات بخش ایمان و تقوی در قلوب افراد جامعه ریشه دوانی نمود و آنها را در زیر چتر شاخسارهایش راحت بخشد و ثمارش را نثار شان کرد:

قرآن عظیم الشان در مورد بعثت پیامبر اسلام می فرماید: ﴿لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِن كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾<sup>آل عمران: ۱۶۴</sup>

الله بی گمان برمسلمانان منت گذاشته، هنگامی که فرستاد درمیان ایشان پیامبری از جنس خودشان، که برای شان آیه های خدا را می خواند، وایشان را پاک می گرداند و ایشان را کتاب و حکمت می آموزد، در حالیکه پیش ازین در گمراهی آشکاری بودند.

تاریخ بشریت گواه براین است که آنحضرت ﷺ پیام آور صلح، سلام و آرامش بود و راه گشای پیشرفت و سعادت. وی با ضعیفان مهربان بود و در مقابل ظالمان و متجاوزان مانند دیواری آهنین از دعوت خود و یارانش دفاع می کرد. صلح جو و خیر اندیش بود و در عهد و پیمانها سخت پابند و استوار. ارسال نامه ها اعزام سفراء به شاهان و امپراطوران جهان، دلیل بزرگی است بر سیاست صلح جو یانه پیامبر اسلام و کمال شمولیت دعوت اسلامی و گفتگوی تمدن ها و هدایت بشریت به راه درست و استوار، حق و عدالت و همزیستی مسالمت آمیز.

مشرف شدن مردم دسته، دسته و گروه، گروه به دین مبین اسلام، در جزیره العرب و سائر نقاط جهان بدون اِکراه و در مدت کوتاه، بهترین گواه براین است که اسلام دین فطرت، علم و حکمت، صلح و عدالت است پیامبر و پیروانش پیام آوران صلح پایدار، امنیت و سعادت جاویدان.

بعد از بعثت پیامبر گرامی اسلام، مکه مکرمه منبع و مصدر علوم اسلامی گردید و با هجرت معلم بشریت، یاران و پیروانش به شهر یترب (مدینه منوره) آنجا مرکز منور علوم معارف گردید و مهمان سراء و رحاب علماء و محققان. در زمان خلفای راشدین شعاع تابناک علم و معرفت به سایر نقاط جهان تابید و بر ظلمات جهل و عداوت، نا امنی و شقاوت خاتمه بخشید.

#### تعریفات و مفاهیم:

**صلح در لغت:** به (فتح صاد و سکون لام) از فعل ثلاثی مجرد (صلح) به فتح (صاد و لام و حاء) بر وزن (فعل) گرفته شده و ضد آن (فسد) است. بنا بر این صلح به (ضم صاد) ضد فساد می باشد.

**صلح در نزد عقلاء:** بردارنده فساد واقع شده (متوقع) در بین مردم است. به عبارت دیگر: در نتیجه منازعه میان دو طرف؛ فساد واقع می شود؛ زیرا نزاع سبب فساد بوده و در مقابل صلح فساد را از بین برده، مهارش می کند.

**صلح و سلام:** در دبیره سه زبان، عربی، انگلیسی و عبری بالترتیب به الفاظ (سلام، Peace و شلوم) آمده است.

**صلح و صلاح:** در ادبیات اسلامی، با الفاظ مترادف زیبایی چون سلام، سلم، خیر، صفا، امان، ثبات، هدنه، آشتی، و آرامش تعبیر شده است که این الفاظ در تضاد و تقابل با الفاظ زشت و دلخراشی چون فساد، نا امنی، جنگ، منازعه، خشونت، سرکشی، تبعیض، دشمنی، فتنه بر انگیزی و سایر شرور قرار می گیرد.

**کلمه صلح:** در عبارات قرآن عظیم الشان هم به لفظ خود «صلح» آمده است و هم به لفظ «سلام»

**سلام:** یکی از «أسماء الله الحسنى»، نامی از نامهای زیبا و صفتی از صفات اعلاى خداوند سبحان نیز می باشد.

**السلام:** به معنای سلامتی از جمیع عیبها و نواقص و سلامتی دهنده اولیاء اش از گناه ها و بزرگترین ترس و دهشت در روز بازپرس در برابر عالم اسرار پوشیده و امور غیبی است.<sup>۶</sup>

الله جلت عظمته می فرماید: ﴿هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ﴾<sup>الحشر: ۲۳</sup>

اوست خدایی که جز او معبودی نیست همان فرمانروای پاک سلامت بخش و مؤمن. (به حقیقت حقه خود)  
**فعل (صلح):** در یکی از احادیث نبوی شریف ضد (فسد) آمده است؛ پیامبر گرامی اسلام می فرماید: (أَلَا وَإِنَّ فِي الْجَسَدِ مُضْغَةً إِذَا صَلَحَتْ صَلَحَ الْجَسَدُ كُلُّهُ، وَإِذَا فَسَدَتْ فَسَدَ الْجَسَدُ كُلُّهُ، أَلَا وَ هِيَ الْقَلْبُ. «۷»

**صلح:** به معنای ترک مخاصمه و به توافق رسیدن است. راغب اصفهانی در مفردات می نویسد: «والصلح مختص بإزالة النفاق بين الناس»: صلح به زدودن کدورت از میان مردم اختصاص دارد.

قال الله تعالى: ﴿وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلَامِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ الأنفال: ۶۱  
و اگر به صلح گراییدند تو نیز بدان بگرای و بر الله توکل کن که او شنوای داناست.  
البته در مورد صلحی که به صلاح مسلمین باشد علمای اسلام اتفاق نظر دارند. «۸»  
صلح یک مفهوم مطلق نیست و می تواند حسب دیدگاه دینی و فرهنگی، سیاسی و اجتماعی تعاریفات متفاوتی داشته باشد.  
صلح را می توان از جنبه های متعدد مورد بحث و مطالعه قرار داد که مسائلی چون قطع جنگ، خلع سلاح، تثبیت حدود، حل مشکلات اقلیت ها و کنترل تسلیحات نظامی و سایر موضوعات و معضله های مطرح در سطح ملی و بین المللی را در بر می گیرند.

**صلح:** در متون سیاسی و حقوق بین الملل، صلح را دیپلماسی ادامه جنگ می گویند و آن عبارت است از خاتمه بخشیدن به خشونت و درگیری ها، حل و فصل ادعاهای جدال برانگیز از طریق مصالحه یا چشم پوشی و برقراری نظم جدیدی، که صرف نظر از درست یا نادرست بودن آن، تأمین کننده ثبات، امنیت، آرامش و فراغ خاطر باشد. «۹»

صلح در قانون مدنی عبارت از «عقدیست که نزاع را رفع و خصومت را بر اساس رضایت طرفین قطع می نماید.» «۱۰»  
**منازعه:** بر وزن مفاعله، از فعل ثلاثی مجرد (نزع) گرفته شده، مصدر آن، «نزع» به (فتح نون و سکون زاء) به معنای جان کندن، گرفتن چیزی را به شدت، کشیدن چیزی از جایش و بیرون آوردن، می باشد.

منازعه در معاجم عربی و فارسی به الفاظ مترادف مجادله، مشاجره، مخاصمه، مناقشه و تنش، نیز معنی شده است.  
**تعریف اصطلاحی منازعه:** با استفاده از مفاهیم لغوی فوق الذکر، منازعه را میتوان چنین تعریف کرد:  
منازعه عبارت از حالتی از اختلاف و تصادم نظریات میان دو طرف، بنابر عدم توافق خواسته ها و اهداف آنها می باشد.  
منازعه یک امر اجتناب ناپذیر است. و اگر اطراف درگیر، در اثنای منازعه و اختلاف از شیوه نیکو، صبر و شکیبایی کار گیرند، و برای رسیدن به راه حل عادلانه، به کتاب الله و سنت رسول اکرم ﷺ رجوع نمایند؛ بدون شک منافع جانبین تأمین خواهند شد.

قال الله تعالى: ﴿فَإِنْ نَزَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَزُدُوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا﴾ النساء: ۵۹  
پس هرگاه در امری اختلاف نظر و منازعه نمودید؛ آنرا به (کتاب) خدا و (سنت) پیامبر او، عرضه بدارید، اگر به الله و روز بازپسین ایمان دارید؛ این (عمل) بهتر و نیک فرجام تر است.

**مصالحه:** توافق نمودن برقرار دادی است که میان دو طرفی که باهم اختلاف داشته اند، انجام می پذیرد. برای مثال کسی ادعاء می کند از دگری مبلغ معینی را طلب دارد، شخص دوم هم بدهکاری خود را می پذیرد؛ اما آن مبلغ را نا درست می داند، در اینجا پرهیز از اختلاف و خصومت و سوگند خوردن شخص دوم، باهم بر سربخشی از آن مبلغ مصالحه می نمایند، و موضوع حل و فصل می شود.

**معاهده:** عقد معاهدات حسن همجواری و عدم تعرض به مرزها و پرهیز از دخالت در امور داخلی کشورهای غیرمسلمان، حتی دشمن چنانچه مصلحتی آنها ایجاب نماید جائز است. و پابندی به موارد پیمان واجب می باشد و تعرض به مال و جان آنها ممنوع است. «۱۱»

**امنیت یا اُمنیة:** مصدر است، از فعل ثلاثی مجرد (امن) به فتح الف و نون و کسر میم، گرفته شده، و مشتقات آن در قرآن کریم، در حدود (۸۷۹) بار به کار رفته است، در (۳۵۸) مورد، در آیات مکی و در (۵۲۱) مورد، در آیات مدنی «۱۲»  
همگی در مجموع مفهوم امنیت را می رساند.

**امن:** به فتح الف و سکون میم، در تضاد و تقابل با (خوف، فزع، حزن و غم) نیز آمده است و درحقیقت پاداش گرانبهائی است که آنرا الله ﷻ برای مؤمنان موحّد، صالح و پرهیزگارش، وعده سپرده است: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ النور: ۵۵

الله ﷻ به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین خود قرار دهد همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین خود قرار داد و آن دینی را که برایشان پسندیده است به سودشان مستقر کند و بیم شان را به ایمنی مبدل گرداند، تا ما را عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند و هر کس پس از آن به کفر گراید آنانند که نافرمان اند.

و می فرماید: ﴿لِأَنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ آمِنٍ﴾ <sup>الدخان: ۵۱</sup>

همانا پرهیزگاران در جایگاهی آرام و آسوده اند.

امن، آمین، و آمین: این الفاظ وارده در قرآن مجید: معانی و مفاهمی را چون: ایمنی، آسودگی، آرامش، سلامتی، مصوونیت، و اطمینان نفسی، ارایه نموده، و با واژه های (سلام، سلم، صلح، هدوء و سکینه همسویی دارند.

### جایگاه و اهمیت امنیت در شریعت اسلامی:

امنیت در اسلام، دارای جایگاه شامخ و اهمیت عظیمی می باشد، اهمیت و ارزش گرانبهای امنیت را می توان « در منابع اصلی و فرعی اسلام، جستجو کرد، بویژه در منبع اول قرآن کریم و منبع دوم، احادیث رسول اکرم ﷺ به و فروت می یابیم که مورد چندی را بطور مختصر تذکر می دهیم:

۱- امنیت ریشه در ایمان دارد: الله ذوالجلال ایمان را که با ظلم التباس نیافته باشد؛ موجب تامین امنیت معرفی می دارد: ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ﴾ <sup>الأنعام: ۸۲</sup>

کسانی که ایمان آورده و ایمان خود را به شرک نیالوده‌اند آنان سزاوار ایمنی هستند و ایشان راه یافتگان اند. ایمان که پایه و اساس دین مقدس اسلام بوده و جامعه اسلامی به آن استوار است، و دروازه دخول به این دین برگزیده الهی می باشد، بمعنای باور، همراه با عمل است که برای انسان امنیت به ارمغان می آورد «الإيمان هو التصديق الذي معه الأمن»<sup>۱۳</sup> ایمان عبارت از تصدیق است که امن و آرامش را با خود دارد.

۲- امنیت بزرگترین انعام و امداد الهی است که برای مجاهدین راه حق داده میشود. الله ﷻ می فرماید: ﴿ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْكُم مِّن بَعْدِ الْغَمِّ أَمْنًا مَّعَا يَعْشَوْنَ طَائِفَةٌ مِّنكُمْ﴾ <sup>آل عمران: ۱۵۴</sup>

سپس خداوند بعد از آن اندوه آرامشی به صورت خواب سبکی بر شما فرو فرستاد که گروهی از شما را فرا گرفت. در جای دیگری می فرماید: ﴿إِذْ يَغْشِيكُمْ النُّعَاسُ أَمَنَةً مِّنْهُ وَيُنزِلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً يُطَهِّرُكُمْ بِهِ وَيُذْهِبُ عَنْكُمْ رِجْسَ الشَّيْطَانِ وَلِيَرْبِطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ﴾ <sup>الأنفال: ۱۱</sup>

به یاد آورید هنگامی را که الله خواب سبک آرامش بخشی که از جانب او بود بر شما مسلط ساخت و از آسمان بارانی بر شما فرو ریزانید تا شما را با آن پاک گرداند و وسوسه شیطان را از شما بزدايد و دلهايتان را محکم سازد و گامهايتان را بدان استوار دارد»

پیامبر بزرگوار اسلام دعاء می کردند که: «اللهم إني أسألك النعيم يوم العيلة والأمن يوم الخوف»<sup>۱۴</sup>

یا مقدالله از تو نعمت می خواهم در روز دشوار، و امن می خواهم بعد از آنکه ترس و خوف بالای ما آمده است.

۳- امنیت بالاترین نویدی است، به جامعه بی داده می شود که در نتیجه ایمان و عمل صالح به مرحله تکامل انسانیت و ترقی و تعالی رسیده باشد. قرآن کریم می فرماید: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ <sup>النور: ۵۵</sup>

الله ﷻ به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین خود قرار دهد همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین خود قرار داد و آن دینی را که برایشان پسندیده است به سودشان مستقر کند و بیم شان را به ایمنی مبدل گرداند تا ما را عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند و هر کس پس از آن به کفر گراید آنانند که نافرمانند.

۴- امنیت نویدی است برای انسان های مومن و صالح قبل از اینکه به طرف رحمت و رضای الله سوق داده شوند و در جنت خدا گام بگذارند: ﴿إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ﴿۵۵﴾ ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ ؕ آمِينَ ﴿۵۶﴾ <sup>الحجر: ۴۵ - ۴۶</sup>

بی گمان پرهیزگاران در باغها و چشمه ساراند. به آنان گویند با سلامت و ایمنی در آنجا داخل شوید.

۵- امنیت پاداش گرانبهایی از جانب الله ﷻ برای موحدین و امتیاز عظیمی، برای أهل حق بر أهل باطل و باطل گرایان است: ﴿وَكَيْفَ أَخَافُ مَا أَشْرَكْتُمْ وَلَا تَخَافُونَ أَنَّكُمْ أَشْرَكْتُم بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا فَأَيُّ الْفَرِيقَيْنِ أَحَقُّ بِالْأَمْنِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ <sup>الأنعام: ۸۱</sup>



و چگونه بترسوم از آنچه شریک (الله) گردانیدید، با آنکه شما خود نمی‌هراسید از اینکه چیزی را شما شریک الله ساخته اید که وی دلیلی در باره آن بر شما نازل نکرده است. پس اگر می‌دانید کدام یک از دو گروه شایسته امنیت است.

۶- حضرت یوسف علیه السلام پدر و مادر خود را هنگامیکه در کنار خود جای داد، او این نویدی را که برای شان داد، نویدامنیت بود: ﴿فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَىٰ يُوسُفَ آوَىٰ إِلَىٰ أَبِيهِ وَقَالَ أَدْخُلُوا مِصْرَ إِن شَاءَ اللَّهُ ءَايِينَ﴾ یوسف: ۹۹  
پس چون بر یوسف داخل شدند پدر و مادر خود را در کنار خویش جای داد و گفت ان شاء الله با امن و امان داخل مصر شوید.

۷- مقدس ترین مکان در روی زمین که کعبه شریفه است، در قرآن عظیم الشان به محل امن و نعمت الهی توصیف شده است: ﴿وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَكَّةَ لِلنَّاسِ ءَامِنًا﴾ البقرة: ۱۲۵

چون خانه کعبه را برای مردم محل اجتماع، کسب ثواب و (جای) امنی قرار دادیم. و می‌فرماید: ﴿أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا ءَامِنًا وَيُحْتَفَبُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ ءَأَيُّ الْبَيْتِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَةِ اللَّهِ يَكْفُرُونَ﴾ العنكبوت: ۶۷  
آیا ندیده‌اند که ما (برای آنان) حرمی امن قرار دادیم و حال آنکه مردم از حوالی آنان روبرو می‌شوند آیا به باطل ایمان می‌آورند و به نعمت خدا کفر می‌ورزند.

در جای دیگری، این مکان مقدس را، جایگاه امن و امان معرفی نموده است: ﴿وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ ءَامِنًا﴾ آل عمران: ۹۷  
و هر که در آن داخل شود، در امان است.

۸- امنیت باید اجتماعی باشد؛ زیرا انسان مؤمن فردی از افراد جامعه اسلامی است. بنابر فرموده رسول اکرم صلی الله علیه و آله هیچ کسی از شما مؤمن شده نمی‌تواند، تا اینکه آنچه را برای خود دوست دارد؛ برای برادر مسلمان خویش نیز دوست داشته باشد، از انس صلی الله علیه و آله است که گفت: رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: ( لا يؤمن أحدكم حتى يحب لأخيه، ما يحب لنفسه. ) «۱۵»  
و در مورد کسی که همسایه اش، از آزار و اذیت وی در امان نباشد؛ فرموده اند: ( والله لا يؤمن، والله لا يؤمن، والله لا يؤمن. ) قیل: و من یا رسول الله؟ قال: ( الذی لا یأمن جاره بوائقه. )

« سوگند به الله مؤمن کامل شده نمی‌تواند. سوگند به الله مؤمن کامل شده نمی‌تواند. سوگند به الله مؤمن کامل شده نمی‌تواند. » گفته شد: کی (کدام شخص) یا رسول الله؟ فرمودند: « کسی که همسایه اش، از شر وی در امان نباشد »  
امنیت اجتماعی را باید در پرتو ایمان، عمل صالح، تقوا و عدالت و تأمین مصالح عامه و دفاع از حقوق و آزادی های مشروع، و حاکمیت قوانین و مقررات انسانی وفق احکام و شریعت اسلامی، جستجو کرد. «۱۶»

#### منابع و مأخذ:

- ۱- شیخ علی خالد الشریجی، الأربو المختارة فی الفضائل الدینیة.. الدیوان الأثری، ۴۳۰ هـ ۲۰۰۹ ط ۱، ص ۲۱-۳۲۶ و ۴۳۹ مطالعه شود.
- ۲- استاد ناصر مکارم شیرازی تفسیرتونه، دارالکتب الإسلامیة، ۳۸۱ هـ، ط ۲۶، ج ۱، ص ۵۱، با اندکی تصرف.
- ۳- سنن ابن ماجه، باب الصلح ج ۱، ص ۸۸ ط ۲۳۵۳.
- ۴- شیخ علی خالد الشریجی، الأربو المختارة فی الفضائل الدینیة.. الدیوان الأثری، ۴۳۰ هـ ۲۰۰۹ ط ۱، ص ۲۱-۳۲۶.
- ۵- دکتر محمد سید کحل، اسلام آیین رشد و ترقی، ترجمه: عمر قانو، ط ۲، ص ۷۲، ۵۵، باختصار و اندکی تصرف.
- ۶- شیخ علی خالد الشریجی، الأربو المختارة فی الفضائل الدینیة.. الدیوان الأثری، ۴۳۰ هـ ۲۰۰۹ ط ۱، ص ۲۱-۳۲۶ و ۴۳۹ مطالعه شود.
- ۷- صحیح البخاری، کتاب الإیمان، حدیث (۵۲). صحیح مسلم، کتاب المساقاة، حدیث (۱۵۹۹).
- ۸- محمد صالح انطالی، فقه سیاسی در اسلام، ترجمه رضا رحبازاد، ط ۱، ص ۷۵، به نقل از پیام آرا، ص ۱۳۵۹.
- ۹- حمید رضا ملک محمندی، نوین مفاهیم تعلیق محاصمات و حالت نه جنگونه صلح در حقوق بین الملل (مجله نشرات وزارت خارجه، ۳۷۲، ص ۱، ص ۵۴).
- ۱۰- ماده شماره (۱۲۹۷) قانون مدنی افغانستان.
- ۱۱- شیخ ابوبکر الجزولی کلیات اسلام، نشر احسن، ۱۳۸۱، ط ۱، ص ۳۷۴-۳۷۷.
- ۱۲- جایگاه امنیت در اسلام، جمعی از نویسندگان ریاست تحقیق و مطالعات علوم اسلامی، ۳۹۵ هـ، ط ۱، ص ۳۴.
- ۱۳- صالح بن عبدالله، نظرة النعمیم فی مکارم اخلاق الرسول الکریم، جدة، دار الوسیلة للنشر والتوزیع، طبع: چهارم، ۳/۶۴۶.
- ۱۴- الشیبانی، احمد بن محمد بن محمد بن حنبل، مؤسسه الرسالة، ۴۲۱ هـ، ط ۱، ص ۲۶۴/۲۴.
- ۱۵- صحیح البخاری، باب من الإیمان تأنیج لأخیه ما یحب لنفسه، ج ۳، ط ۱، ص ۲.
- ۱۶- هلا مأخذ، جایگاه امنیت در اسلام، ط ۱، ص ۲۰۵-۲۱۱، با اقتباس و اختصار.